

پایگاه علمی حضرت رضا علیه السلام در اصلاح و شکوفاسازی علوم دوران خود

مهدی سبحانی نژاد

استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد تهران

محمد نوروزی

کارشناس مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه شاهد

چکیده

تاریخ دریافت: ۸۸/۶/۳۱ - تاریخ پذیرش: ۸۸/۹/۱۱

در پژوهش حاضر وضع علمی جهان و به ویژه جهان اسلام در دوره امام‌رضا علیه السلام، عمده‌ترین وجوه علمی امام‌رضا علیه السلام، حرکت‌های علمی شاخص امام‌رضا علیه السلام به منظور ساخت‌دهی و زمینه‌سازی شکوفایی علمی جامعه عصر خود و در نهایت برخی از مهم‌ترین مصادیق عینی جلوه و تأثیرات علمی امام‌رضا در عصر خود بررسی شده است. روش انجام پژوهش تحلیل اسنادی بوده، به منظور گردآوری داده‌های لازم برای پاسخگویی به سؤال‌های پژوهش، کلیه اسناد و مدارک موجود و مرتبط با موضوع حاضر با استفاده از فرم گردآوری داده‌ها جمع‌آوری و با شیوه کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. توجه و اهتمام به توسعه علوم مختلف، ایجاد فضای علمی برای طرح اندیشه‌های مخالف، ترویج روش منطقی و عقلانی بحث و مناظره، تأسیس حوزه‌های علمی در بغداد، مدینه و کوفه و تألیفات متعدد در حوزه‌های گوناگون از مهم‌ترین راهبردهای علمی امام‌رضا علیه السلام بوده است.

کلید واژه‌ها: امام‌رضا علیه السلام، علوم، شکوفاسازی، سیره عملی، ساخت‌دهی، مأمون.

مقدمه

در زمان حیات امام رضا علیه السلام، مسائل علمی خاص رونق یافته و با امور سیاسی و اجتماعی به هم تنیده شده بودند. عوامل مختلفی در نشاط علمی عصر امام رضا علیه السلام مؤثر بودند که از آن جمله می‌توان به بحران‌های فکری و ورود ملل مختلف به اسلام، وجود فرقه‌های مذهبی که با افکار مختلف خود سؤال‌های متعددی را به ساحت اسلام عرضه می‌کردند، وسعت سرزمین اسلامی، مهاجرت از ملیت‌های مختلف در این جغرافیای بزرگ و تبادل افکار به شکل گسترده اشاره نمود. در دوره عباسیان بیان مسائل کلامی، عقلی و فلسفی پر رونق شده و گرایش عمومی در جامعه به عقل‌گرایی بود. این گرایش‌ها جامعه را تحت تأثیر قرار می‌داد تا مردم نیز به این علوم گرایش یابند. ظهور علمی امام رضا علیه السلام در این دوره، شیعه را در بُعد تعقل تقویت کرد.

در این دوره امام رضا علیه السلام از اسلام اصیل و اندیشه‌های ناب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دفاع کرد و با استفاده از ابزارها و مقتضیات زمان، وظیفه الهی خود را عملی کرد. اندیشه‌های کلامی در این دوره رواج و رونق داشت، اما انحرافات نیز در آن‌ها وجود داشت که

به نام دین تمام می‌شد. شیوه امام علیه السلام در مبارزه با انحرافات و ارائه راه روشنی از اسلام ناب برای مردم سبب شکوفایی علوم اسلامی از جمله کلام گردید که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره خواهد شد.

امام رضا علیه السلام در یازدهم ذی‌قعدة الحرام ۱۴۸ هجری در مدینه دیده به جهان گشود. نام مبارک ایشان علی و کنیه آن حضرت ابوالحسن و مشهورترین لقب ایشان «رضا» به معنای «خشنودی» می‌باشد (فضل الله، محمد جواد، ۱۳۷۲).

از القاب مشهور حضرت «عالم آل محمد» است. این لقب نشانه عمق و ظهور دانش ایشان است. جلسات مناظره متعددی که امام با دانشمندان بزرگ عصر خویش به ویژه علمای ادیان مختلف داشت و در همه آن‌ها با سربلندی تمام بیرون آمد، دلیل کوچکی بر این سخن است. این توانایی و برتری امام در تسلط بر علوم، از دلایل امامت ایشان است و با تأمل در سخنان امام در این مناظرات، روشن می‌گردد که این علوم جز از منبع وابسته به الهام و وحی نمی‌تواند سرچشمه گرفته باشد. پدر بزرگوار ایشان امام موسی کاظم علیه السلام پیشوای هفتم شیعیان بود که در سال ۱۸۳ق به دست هارون عباسی به شهادت رسید و

مادر گرامیشان «نجمه» نام داشت (متنهی
الأمال).

مدت امامت امام هشتم حدود بیست
سال بود که می‌توان آن را به سه بخش؛ ده
سال اول امامت که با زمامداری هارون
همزمان بود، پنج سال بعد از آن که با
خلافت امین مقارن بود و پنج سال آخر
امامت آن بزرگوار که با خلافت مأمون و
تسلط او بر قلمرو اسلامی آن روز مصادف
بوده، تقسیم کرد.

مدتی از روزگار زندگانی امام رضا علیه السلام
همزمان با خلافت هارون الرشید بود.
هارون تصمیم به قتل امام گرفت، اما
فرصت نیافت نقشه خود را عملی کند. بعد
از مرگ هارون فرزندش امین به خلافت
رسید.

مأمون عباسی توانست برادر خود امین
را شکست داده، او را به قتل رساند و لباس
قدرت را بر تن کند. خطری که حکومت او
را تهدید می‌کرد، علویان بودند.

مأمون در صدد بر آمد تا موجبات
برخورد با علویان را برطرف کند؛ لذا با
مشورت وزیر خود فضل بن سهل تصمیم
گرفت تا دست به خدعه‌ای زده، خلافت را
به امام پیشنهاد دهد و خود از خلافت به
نفع امام کناره‌گیری کند. برای مأمون آسان

بود در مقام ولایت عهدی بدون این که
کسی آگاه شود، امام را از میان بردارد تا
حکومت به صورت شرعی و قانونی به او
بازگردد. در این صورت علویان با
خشنودی به حکومت می‌نگریستند و
شیعیان خلافت او را شرعی تلقی می‌کردند
و او را به عنوان جانشین امام می‌پذیرفتند.

مأمون عالم‌ترین خلیفه عباسی بود. او
افرادی را که در ترجمه کتاب‌های هندی،
سریانی، فارسی و به ویژه یونانی مهارت
داشتند به کار گرفت تا به ترجمه آثار
مختلف علمی و فرهنگی به ویژه کتاب‌های
طبی و فلسفی بپردازند. مأمون سعی کرد با
انتقال حضرت رضا علیه السلام از مدینه به مرو و
تفویض ولایت عهدی به ایشان و همچنین
دعوت از علمای اطراف و اکناف جهان،
شعاع فکری جهان اسلام را به خراسان
منتقل کند. البته بسیاری از نیات وی
مغرضانه و به خاطر مسائل سیاسی بود، اما
اقدامات او به طور ضمنی موجب رشد و
شکوفایی عقلی و علمی در سطح جامعه
گردید.

مشکلات و مفاسد شدید مالی هم که
در دوران حاکمیت هارون به دلیل
خوش‌گذرانی‌های بیش از حد وی بر
جامعه حاکم شده بود، در دوران مأمون

جای خود را به انحرافات زهدمنشانه داد؛ زیرا مأمون پس از انتصاب امام رضا علیه السلام به ولایت عهدی مجبور بود از مفسد علنی پرهیز و خود را به افق اخلاقی امام نزدیک کند. وی برای رسیدن به هدفش به عوام فریبی روی آورد، تا جایی که به ابو العطائیه شاعر شب‌نشینی‌های هارون جنبه روحانی و معنوی بخشید (شریف قرشی، ۱۳۸۳).

با توجه به آنچه یاد شد، مسئله اساسی مقاله حاضر، بازشناسی تحلیلی نقش و جایگاه علمی برجسته امام رضا علیه السلام در ساخت‌دهی و شکوفاسازی علوم دوران خود می‌باشد. در این راستا ضمن بررسی منابع و مراجع مختلف، ابتدا وضع علمی جهان و به ویژه جهان اسلام در دوره امام رضا علیه السلام، عمده‌ترین وجوه علمی امام رضا علیه السلام، حرکت‌های علمی شاخص امام رضا علیه السلام به منظور ساخت‌دهی و زمینه‌سازی شکوفایی علمی جامعه عصر خود و در نهایت برخی از مهم‌ترین مصادیق عینی جلوه و تأثیرات علمی امام رضا در عصر خود، به بحث گذارده شده است. در مقاله حاضر چهار سؤال اصلی زیر طرح و بررسی شده است:

۱- وضع علمی جهان و به ویژه جهان اسلام در دوره امام رضا علیه السلام چگونه بوده و

علل رویکرد جامعه عصر امام رضا علیه السلام به تحصیل و تولید علم چه بوده است؟

۲- مهم‌ترین وجوه علمی امام رضا علیه السلام چه بوده است؟

۳- مهم‌ترین حرکت‌های علمی شاخص امام رضا علیه السلام به منظور ساخت‌دهی و زمینه‌سازی شکوفایی علمی جامعه عصر خود چه بوده است؟

۴- مهم‌ترین مصادیق عینی جلوه و تأثیرات علمی امام رضا در عصر خود چه بوده است؟

روش

پژوهش به دنبال بازشناسی تحلیلی نقش و جایگاه علمی برجسته امام رضا علیه السلام در ساخت‌دهی و شکوفاسازی علوم دوران خود بوده و با عنایت به عنوان و سؤال‌های طرح شده، به شیوه توصیفی و از نوع تحلیل اسنادی انجام شده است.

جامعه و نمونه پژوهش

با توجه به روش پژوهش، جامعه پژوهش شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی می‌باشد. از آن‌جا که در پژوهش حاضر، کلیه منابع و مراجع موجود فیش برداری و در راستای

هدف پژوهش مورد استفاده قرار گرفته، نمونه‌گیری انجام نشده و کلیه منابع و مراجع مرتبط و در دسترس مذکور، بررسی و تحلیل شده است.

ابزار گردآوری داده‌ها

به معنای خاص پژوهش‌های میدانی، ابزاری در پژوهش استفاده نشده، ولی در این ارتباط از فرم‌های فیش برداری به منظور گردآوری نتایج مطالعات مرتبط استفاده شده است.

شیوه تحلیل داده‌ها

از آن‌جا که داده‌های به دست آمده کیفی بوده، بنابراین از تحلیل کیفی به منظور تحلیل و جمع‌بندی آن‌ها استفاده شده است.

تحلیل یافته‌های پژوهش

۱- بررسی سؤال اول پژوهش

سؤال اول پژوهش عبارت بود از این‌که «وضع علمی جهان و به ویژه جهان اسلام در دوره امام‌رضا (علیه السلام) چگونه بوده و علل رویکرد جامعه عصر امام‌رضا (علیه السلام) به تحصیل و تولید علم چه بوده است؟».

فرهنگ و تمدن اسلامی از عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) شکل گرفت و این فرهنگ با

تلاش بی وقفه امامان معصوم به دیگر نسل‌ها انتقال یافت، اما مورخان، دوران طلایی و عصر شکوفایی تمدن اسلامی را مدیون تلاش‌های عصر امام‌رضا (علیه السلام) و قرن دوم تا سوم هجری می‌دانند؛ زیرا در این دوره نهضت‌های علمی گوناگونی رایج و بسیاری از کتاب‌ها توسط دانشمندان علوم دینی به سایر زبان‌ها ترجمه گردید. عصر امام‌رضا (علیه السلام) را عصر طلایی علمی می‌نامند؛ عصری که شگفت‌ترین اعصار در تاریخ اسلام است و آن شگفتی نیز به دلیل شکوفایی و گسترش علوم بوده است، به طوری که بغداد پایتخت جهان اسلام و بلکه پایتخت جهان شد. بغداد بزرگ‌ترین شهری بود که مردان علم و سیاست از هر جای جهان به منظور به دست آوردن پستی در منصب‌های دولتی یا ارائه نیازهای کشورشان در زمینه‌های اداری، اقتصادی و علمی به آن‌جا روی می‌آوردند.

پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به سبب استواری معارف و آموزه‌ها، طی مدت کوتاهی اندیشه اسلامی سراسر جهان را فرا گرفت. طبیعت علم خواهی اسلام باعث شد تا در کنار پیشرفت‌های سیاسی و عقیدتی، فراورده‌های علمی کشورهای جهان به محیط جامعه اسلامی راه پیدا کند

و کتب علمی دیگران از یونان، هند، مصر، ایران و روم به زبان اسلامی ترجمه گردد. در عصر عباسیان فرصتی برای علمای اسلام پدید آمد تا کتب ترجمه‌ای را مورد بررسی و نقد قرار دهند و همین امر باعث نوآوری‌های فراوانی در عرصه علم و تألیف کتب مختلف در حوزه‌های متعدد علمی از سوی مسلمانان شد.

نهضت ترجمه تقریباً از اواخر دوره امویان که خود بهره‌ای از علم نداشتند، آغاز شد و در دوره عباسیان خصوصاً در زمان هارون و مأمون عباسی به اوج خود رسید. در دوره مأمون، جامعه اسلامی تقریباً به اوج علم رسید و دانشمندان از نقاط مختلف جهان به خراسان آمدند و جلسات بحث و گفت‌وگو دایر شد، کتب مختلف در موضوعات متعدد علمی از جمله طبیعیات، ریاضیات، هیئت، طب و... ترجمه و بحث شد. در این میان یک نکته را نباید فراموش کرد و آن این که شرایط خاص فرهنگی حاکم بر محیط جامعه اسلامی در زمان عباسیان، چیزی نبود که به وسیله امویان یا عباسیان پایه‌گذاری شده باشد، بلکه نتیجه مستقیم تعالیم آسمانی اسلام بود که به تحصیل و توسعه علم تأکید فراوان داشت و در مرحله اول

شخص امام‌رضا علیه السلام و علمای دینی پرچمدار این دگرگونی علمی بودند. البته مأمون هم - به هر نیتی که داشت - در ترجمه کتب یونانی کوشش زیادی کرد و از معاشرت با حکما اظهار لذت می‌کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۴۲۸ و ۴۲۹).

نهضت ترجمه هر چند تأثیر بسزایی در ایجاد حرکت علمی در جامعه مسلمانان داشت، اما از موارد نگران‌کننده نیز خالی نبود؛ زیرا مترجمان متعصب که به مذاهب غیر اسلامی متعلق بودند، مانند زرتشتیان، نسطوریان و برهمن‌ها، یقیناً در کار خود حسن نیت نداشتند و گروهی هم می‌کوشیدند از بازار داغ، انتقال علوم بیگانه به محیط اسلام برای نشر عقاید فاسد خود فرصتی بیابند؛ از این‌رو در لابلا کتب ترجمه‌ای که وارد جامعه اسلامی شد، آثاری از عقاید خرافی و انحرافی و غیر اسلامی وجود داشت و قهراً چنین امری از تأثیرگذاری بر افکار عمومی و انحراف آن‌ها خالی نبود.

از آن‌جا که در آن زمان هیچ تشکیلات علمی که بتواند آثار علمی بیگانه را مورد ارزیابی قرار دهد در حکومت عباسیان

وجود نداشت، وضعیتی پدید آمد که مسئولیت امام رضا علیه السلام را دوچندان کرد. وجود فرقه‌های منحرف و زنادقه وضعیت علمی و فرهنگی جامعه را متلاطم کرده بود. عقل‌گرایی محض که از کتب عقلی یونانی و سریانی و غیر آن‌ها به وجود آمده بود، عده زیادی را به مذهب اعتزال سوق داد، به گونه‌ای که گمان کردند تنها عقل است که سرچشمه معرفت است و تدریجاً خود را بی‌نیاز از وحی دانستند و از این روست که می‌بینیم امام رضا علیه السلام در راستای تنویر افکار عمومی مسلمانان و شیعیان به تنقیح و تبیین معارف دینی و تشکیل جلسات مناظره و... پرداخته، راه و رسم تحقیق و تحصیل علم را به مردم و اهل علم معرفی نمود، تا آن‌ها را از خطر انحراف نجات دهد. بدین‌سان وضعیت علم در عصر امام رضا علیه السلام به شکل مطلوبی به توسعه رسیده بود و البته آشفتگی‌های فکری و عقیدتی هم کم نبود (همان، ص ۴۳۴ - ۴۳۲).

از مجموعه نکات یادشده چنین بر می‌آید که اموری چند در روی آوردن مردم عصر امام رضا علیه السلام به تحصیل و تولید علم دخالت داشته که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱) وجود مقدس امام رضا علیه السلام به عنوان گزینه اصلی این حرکت

وجود امام رضا علیه السلام را به عنوان عالم اهل بیت که از قدرت تکلم در حوزه‌های مختلف علمی به عنوان شخصیتی منحصر به فرد برخوردار بوده باید به طور جد مورد توجه قرار داد؛ زیرا حرکت ایشان در راستای مسائل علمی منشأ اثر و تحولی در آن حوزه‌ها شده و در باب تولید و توسعه علم توسط مسلمانان امری غیر قابل انکار است. تاثیرات شگرف علمی امام از جمله؛ طرح مباحث علمی که تا آن زمان از سوی کسی مطرح نشده بود، ارایه نظریات جدید و راهکارهای عملی در رشته‌های مختلف طبیعی و نظری مجموعه‌ای بود که انگیزه ورود اهل نظر به حوزه تبع و تحقیق را شدت بخشید و این امر در رواج گرایش فکری علمی مردم آن زمان تاثیر شایانی داشت.

۲) دوران امام رضا علیه السلام، نقطه اوج نهضت ترجمه

هنگامی که ترجمه کتب بیگانه با دامنه وسیعی در محیط جامعه اسلامی رواج پیدا کند و با توجه به این که کتب ترجمه‌ای وارداتی هم می‌توانست مشتمل بر فواید علمی و هم مشتمل بر مطالب غیر مفید و

حتی انحرافی باشد، طبیعتاً توجه به این کتب با رویکرد استفاده علمی از آن‌ها و نیز ارزیابی، نقد و بررسی مطالب غیر صواب، امری طبیعی است و همین نکته باعث شد که محافل علمی پیرامون بررسی کتب ترجمه‌ای پدید آمده، در ضمن این بررسی‌ها به فراورده‌های علمی نوظهوری که اثری از آن‌ها در کتب ترجمه موجود نبود نائل شود (شریف قرشی، ۱۳۸۳).

۳) ورود دانشمندان رشته‌های مختلف علمی از سایر بلاد به محیط جامعه اسلامی
محافل علمی که توسط این دانشمندان برگزار شد و اصل حضور آن‌ها در محیط جامعه اسلامی، موجب تشویق و ترغیب اهل علم به روی آوردن جدی‌تر به علوم و تولید علم گردید (فضل الله، ۱۳۷۲، ص ۱۶۱).

۴) عملکرد علمی مأمون جدای از اغراض خاص وی
مأمون از دانشمندان بلاد مختلف دعوت کرد تا به خراسان بیایند. از مجالست با آن‌ها ابراز خرسندی می‌کرد، محافل علمی و جلسات مناظره تشکیل می‌داد و از این‌گونه امور استقبال می‌کرد. در راه

ترجمه کتب هزینه‌های زیادی صرف کرد و همین امر به نحوی در شکل‌دهی وضعیت علمی جامعه تأثیرگذار بود. البته در انگیزه انجام این امور از سوی مأمون عباسی با توجه به دشمنی وی با امام رضا علیه السلام به عنوان امام مسلمین و کسی که در علوم مختلف منحصر به فرد است، باید شک داشت. نمی‌توان مصرانه به علم دوستی مأمون رأی داد، چنان‌که به شهادت تاریخ، تشکیل جلسات مناظره برای امام رضا علیه السلام توسط مأمون، تنها به انگیزه مغلوب کردن آن حضرت بوده است. دلیل دیگر آن که پس از شهادت امام رضا علیه السلام دیده نشد که مأمون جلسه یا مناظره علمی برگزار کند. علت چنین امری هم روشن است؛ زیرا تا امام رضا علیه السلام به عنوان امام مسلمین و عالم اهل بیت در قید حیات بود، به سبب سیطره و ابهت علمی ایشان بر جهان علم از یک‌سو و نگرانی مأمون از روی آوردن جامعه علمی اسلامی و غیر اسلامی به آن حضرت از سوی دیگر، آن خلیفه عباسی بر آن شده بود تا برای رهایی از این امر و این‌که نشان دهد او هم اهل علم است و همچنین برای فرار از این که جامعه جهانی او را به سبب دشمنی با امام علیه السلام مخالف علم و دانش بخواند و پایه‌های حکومت

وی متأثر شود، به برخی از امور ارزشی اقدام می‌نمود. به هر جهت و با هر نیت باید اذعان داشت که این گونه اقدامات وی در روی آوردن جامعه اسلامی به توسعه علمی بی تأثیر نبوده است (شریعتمداری، ۱۳۶۶).

۲- بررسی سؤال دوم پژوهش

سؤال دوم پژوهش عبارت بود از این که «مهم‌ترین وجوه علمی امام رضا (ع) چه بوده است؟».

۱) دین و دانش در سیره علمی و

حوزه درسی امام رضا (ع)

امام رضا (ع) در سیره علمی و حوزه درس، بجز اهتمام در تبلیغ و احیای دین، توجه خاص به اکرام علم و دانش، تشویق و ترغیب مسلمانان به فراگیری علم در عرصه‌های مختلف را نیز مورد تأکید قرار می‌داد. در این جا قبل از هر چیز، توجه به گوشه‌هایی از مقام‌های علمی آن حضرت لازم است.

شیخ طبرسی (ره) درباره آشنایی آن حضرت به همه زبان‌ها، از ابصالت روایت می‌کند امام رضا (ع) با هر قوم و نژادی از مردم با زبان خود آن‌ها سخن

می‌گفت. به خدا سوگند، او فصیح تر و داناتر از خود آن‌ها، به زبانشان سخن می‌گفت.

آثار و تألیفات آن حضرت در حوزه‌های مختلف علمی و دینی و طرح مباحثی از قبیل مسئله توحید و تبیین سایر اصول موضوعه دینی، بحث در باب فقه و فلسفه احکام و نیز طرح مباحث متعلق به پیدایش عالم و زمین، امور مربوط به علم پزشکی و سایر رشته‌های علوم طبیعی، همه و همه حاکی از گستردگی علم آن امام و اعتقاد ایشان به لزوم احیای علم و دین بوده است. تسلط ایشان به علوم پزشکی، بهداشت عمومی و میکروبیولوژی، نمونه بارز تأثیرگذاری آن حضرت بر علم پزشکی و بهداشت عمومی آن عصر بود. درباره علم امام (ع) می‌توان از جهات مختلف گفت‌وگو کرد. حوزه‌های معلومات امام (ع) از چیزهایی است که شخصیت امام (ع) را متمایز می‌سازد. معلومات امام در زمینه الهیات، ادیان و کتاب‌های آسمانی، علوم و معارف قرآنی، بحث‌های کلامی، بحث‌های پزشکی، اصول فقه و جز این‌ها، همگی گسترش دامنه معلومات امام (ع) را می‌رساند (شریف قرشی، ۱۳۸۳).

۲) دین و دانش در سیره عملی

امام رضا علیه السلام

در سیره عملی آن حضرت نه تنها از تمایز یا تعارض علم و دین خبری نیست، بلکه میان آن‌ها ارتباط وثیقی وجود دارد و هر یک از علم و دین در این سیره مکمل یکدیگرند. حضرت رضا علیه السلام این مهم را در سیره عملی خویش با تربیت بزرگانی چون حسن بن علی بن زیاد و شاء، فضل بن شاذان، حماد بن عیسی، اشعری قمی، سعد ابن سعد، ریان بن صلت، محمد بن خالد برقی قمی، عبد العزیز مهتدی قمی، یونس ابن عبدالرحمان که در تاریخ علم و فضیلت نام آن‌ها برای همیشه ثبت و ضبط است اثبات کرده است. به علاوه تألیف و تصنیف کتاب‌های ارزشمند در دو حوزه علم و دین و از طرفی انجام مناظره‌ها و مسافرت‌های علمی نیز نشانه‌های دیگری از مقام علمی آن حضرت است.

از جمله مصنفات ایشان *صحیفه الرضا* که شامل احادیثی است از ایشان و اجدادشان و *طب الرضا* یا *رساله ذهبیه* بوده که به درخواست مأمون در حوزه علوم پزشکی و بهداشت عمومی تدوین شده است. این رساله به دلیل دارا بودن نکات عمیق علمی به رساله ذهبیه مشهور شد.

امام رضا علیه السلام این رساله را در حدود ۲۰۱ هجری برای مأمون نوشت و در این زمان، هنوز دانش پزشکی، صورت علمی نداشت و بر مداومت و تجربه و نه بر اکتشافات علمی متکی بود. در آن برهه وجود میکروب‌ها کشف نشده و از ویتامین‌ها آگاهی به دست نیامده بود و از اکتشافات مهم دیگر پزشکی مانند راه‌های مبارزه با میکروب در آن زمان خبری نبود، ولی امام علیه السلام با بیان این مسائل طبی، جامعه را به تکاپو و تحقیق در مسائل علمی واداشت که جدای آن که از عوامل مهم شکوفایی تمدن اسلامی و درسی برای اندیشمندان معاصر در جریان تولید علم بود، از تعامل علم و دین در نگاه آن امام همام نشان داشت (شریعتمداری، ۱۳۶۶، ۳، ص ۱۱۹ و ۱۱۷).

قیام علمی، ارشاد مردم، تبیین احکام الله، بیان شریعت که از وظایف خاص اولیاء الله است، هیچ‌گاه از امام رضا صلوات الله علیه فوت نشد و از کارهای اساسی آن حضرت چه در مدینه و چه در مرو بود. احکام بسیاری در کتب احادیث از یادگارهای آن حضرت است. کافی است در این زمینه تنها فهرست عیون اخبار الرضا را که شیخ صدوق علیه

فضایل امام هشتم حالت فراملیتی پیدا کرد و برای دانشمندان ملت‌های غیر مسلمان از لابه‌لای مباحث و مناظرات ایشان مبرهن گشت و در جلسات بحث و مناظره با علمای ادیان و فرق گوناگون عظمت علمی آن حضرت آشکار شد.

۳- بررسی سؤال سوم پژوهش

سومین سؤال پژوهش عبارت بود از این‌که «مهم‌ترین حرکت‌های علمی شاخص امام رضا علیه السلام به منظور ساخت‌دهی و زمینه‌سازی شکوفایی علمی جامعه عصر خود چه بوده است؟».

عصر امام رضا علیه السلام عصر شکوفایی مجدد علوم اسلامی، رونق و رشد اندیشه‌ها، ورود افکار بیگانه به جامعه اندیشمندان مسلمان و شکل‌گیری مکاتب فکری گوناگون براساس افکار التقاطی و وارداتی بوده است. این مسئله زمانی پررنگ تر شد که مأمون بر ترجمه کتاب‌های فلسفی یونان اصرار ورزید. مسلماً در آن زمان یک هیأت نیرومند علمی در دربار وجود نداشت که آثار بیگانگان را مورد نقد و بررسی دقیق قرار دهد و آن را از صافی جهان بینی اسلامی بگذراند، انحرافات و ناخالصی‌ها را بگیرد و تنها

الرحمه تدوین کرده، مطالعه کنیم. شیخ طوسی علیه الرحمه در رجال خود سیصد و هفده نفر از راویان را با عنوان «اصحاب الرضا» نام برده که همه از آن حضرت کسب فیض کرده و به افتخار حدیث رسیده‌اند (رجال طوسی، ص ۳۶۶ - ۳۹۶). مردان بزرگی همچون احمد بن ابی نصر بزنطی، احمد بن محمد بن عیسی اشعری، ادريس بن عیسی اشعری، عبدالله ابن جنذب بجلی، حسن بن علی و شا و محمد بن فضیل کوفی از آن جمله هستند (سیرالائمہ، ج ۴، ص ۱۴۱).

شایستگی و برتری امام هشتم علیه السلام به قدری آشکار بود که مأمون می‌توانست توسط ایشان کلیه رقبای خود را ساکت گرداند و آن حضرت را به عنوان فردی مورد قبول و غیرقابل انکار از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی کند. به گفته ابوالفرج، مأمون در مورد امام رضا علیه السلام به وزرای خود فضل ابن سهل و حسن بن سهل اظهار کرده که با خداوند پیمان بسته‌ام که اگر پیروز شدم خلافت را واگذار کنم به برترین فرد از خاندان ابی طالب و اکنون برتر از او نمی‌شناسم (محمد ابن جریر طبری، ج ۷، ص ۱۳۹).

افزون بر دنیای اسلام، درخشش علوم و

آنچه را که صاف و بی غل و غش است در اختیار جامعه اسلامی قرار دهد. رسیدن به این اهداف در سایه اهتمام به علم و تولید علم امکان پذیر است. حضرت رضا علیه السلام با توجه به احاطه بر علوم مختلف، بر فضای علمی و فرهنگی عصر خویش تأثیر فراوان گذاشت و توانست جامعه اسلامی را برای عصرهای متمادی از فیض توانمندی‌های علمی خود بهره مند سازد.

آثار و تألیفات ایشان در امور مختلف، مثل توحید، پیدایش زمین، پزشکی، فقه، حدیث، فلسفه احکام و مباحث اخلاقی، از گستردگی معلومات ایشان حکایت می‌کند. مسلماً شخصی با این گستردگی در علم و بینش، تأثیر شگرفی بر توسعه علمی جامعه خود خواهد گذاشت، به‌ویژه این که امام رضا علیه السلام به لحاظ اجتماعی بسیار فعال عمل کرد و خود شخصاً به ارائه راهکار و نظرات خود پرداخت. خصوصاً وقتی این قواعد با کشفیات علمی منطبق شد، اثرات بیشتری در دنیای اسلام و جهان گذاشت و نقش امام رضا علیه السلام در تولید علوم مختلف برجسته‌تر شد. استفاده بهینه از فرصت‌های موجود در تبیین معارف، تبلیغ دین و ترویج مسائل علمی از فعالیت‌های مهم امام رضا علیه السلام در تولید علم به شمار می‌رود.

آموزه‌های دینی مربوط به کتاب، سنت و عقلانیت تحصیل علم، از مؤلفه‌های توسعه علمی در اسلام است. حضرت رضا علیه السلام با توجه به تصریحات و تأکیدات کتاب و سنت درباره توسعه علم و دانش و عقلانی بودن لزوم تحصیل علم به این مهم پرداخت. استفاده ایشان از این پیش زمینه‌ها در هدایت فکری و توسعه علمی و تولید علم کمک بسزایی کرد.

توجه به اصول علمی و معارف کلیدی در جریان تولید علم یکی دیگر از این پیش زمینه‌ها است. امام رضا علیه السلام با تکیه بر همین اصول، نهضت علمی را به اوج خود رسانید. اعتقاد آن حضرت به لزوم ارتقای علمی مسلمانان در سطح بین‌المللی و یافتن جایگاه مناسب علمی دیگر مؤلفه‌ای بود که حضرت رضا علیه السلام از آن در تولید علم بهره جست.

عصر امام رضا علیه السلام از موقعیت حساسی برخوردار بود؛ زیرا عوامل انحراف فکری به اوج خود رسیده بود. این انحراف‌ها که بیش‌تر ناشی از ورود اندیشه‌های غیر تصفیه‌شده بیگانه به جامعه اسلامی و نیز آزادی افسارگسیخته ایجاد شده از سوی دستگاه عباسی بود، امام رضا علیه السلام را بر آن داشت تا به عنوان حافظ دین خدا و برای

نجات مسلمانان از شرک و الحاد، دست به اقدام‌هایی بزنند؛ از جمله مسافرت به مراکز پخش این اندیشه‌ها از قبیل بصره و کوفه و برپایی جلسات مناظره با سران افکار الحادی، استفاده از فرصت ولایت عهدی در راستای تبلیغ دین و آنچه که شریعت خاتم برای هدایت بشر آورده است.

از اقدامات آن‌حضرت در این زمینه، مناظره‌هایی است که با بزرگان و رؤسای فرق و ادیان مختلف، چه قبل از ولایت عهدی و چه پس از آن صورت گرفت و با توجه به روش مناظره آن‌حضرت که زبانزد عالمیان بود؛ زیرا بر صبغه عقلانی و منطقی استوار بود و دفاع آن‌حضرت از دین و گزاره‌های دینی که یکی از آن‌ها لزوم تحصیل علم و دانش در رشته‌های مختلف و نافع است، همه و همه گواه بر آن است که در سیره عملی آن‌حضرت علم و دین هماهنگ بوده است (فضل الله، ۱۳۷۲، ص ۱۶۱).

در شرح یکی از این مجالس مناظره آمده است، مأمون فضل‌بن‌سهل را امر کرد که اساتید کلام و حکمت را از سراسر دنیا دعوت کند تا با امام به مناظره بنشینند. فضل نیز اسقف اعظم نصاری، بزرگ علمای یهود، رؤسای

صابئین (پیروان حضرت یحیی)، بزرگ موبدان زرتشتیان و دیگر متکلمان وقت را دعوت کرد. مأمون هم آن‌ها را به حضور پذیرفت و به آنان گفت: «دوست دارم که با پسر عموی من (مأمون از نوادگان عباس، عموی پیامبر است که ناگزیر پسر عموی امام می باشد) که از مدینه پیش من آمده مناظره کنید».

صبح روز بعد مجلس آراسته‌ای تشکیل شد و مردی را به خدمت حضرت رضاعلی فرستاد و ایشان را دعوت کرد. حضرت نیز دعوت او را پذیرفت و به مجلس مأمون تشریف‌فرما شد. با ورود حضرت، مأمون ایشان را برای حاضران معرفی کرد و سپس گفت: «دوست دارم با ایشان مناظره کنید». حضرت رضاعلی نیز با تمامی آن‌ها از کتاب خودشان درباره دین و مذهبشان مباحثه نمود. سپس امام فرمود: «اگر کسی در میان شما مخالف اسلام است بدون شرم و خجالت سؤال کند».

عمران صابی از حضرت سؤال‌های بسیار پرسید و حضرت تمام سؤال‌های او را یک به یک پاسخ گفت و او را قانع نمود. او پس از شنیدن جواب سؤال‌های خود از امام، شهادتین را بر زبان جاری کرد و اسلام آورد و با برتری امام جلسه به

پایان رسید و مردم متفرق شدند. روز بعد حضرت، عمران صابی را به حضور طلبید و او را بسیار اکرام کرد و از آن پس، عمران صابی خود از زمره مبلغان دین مبین اسلام گردید (سحاب، ۱۳۶۰، ص ۸۱).

۴- بررسی سؤال چهارم پژوهش

چهارمین سؤال پژوهش عبارت بود از این که «مهم‌ترین مصادیق عینی، و جلوه تأثیرات علمی امام‌رضا(علیه‌السلام) در عصر خود چه بوده است؟».

تاریخ‌نویسان دوران امام‌رضا(علیه‌السلام) را به لحاظ شکوفایی علمی و نیز جهانی شدن تمدن اسلامی در آن، عصری تابناک دانسته‌اند. با فعالیت‌های علمی در عرصه‌های مختلف، پیشرفت تمدن اسلامی در این مقطع تاریخی به بالاترین حد ممکن رسید. توجه به مظاهر علمی و فرهنگی گسترش یافته در این عصر، می‌تواند هر چه بهتر و بیش‌تر ما را در فهم وضعیت علمی مسلمانان در آن عصر یاری رساند که در ذیل به برخی اشاره شده است:

الف) حوزه‌های علمی

۱) انجمن‌های علمی و کتابخانه‌ها: از

حرکت‌های علمی قابل توجه در عصر امام‌رضا(علیه‌السلام) تشکیل انجمن‌های علمی و کتابخانه‌هایی در بغداد بود که علمای اسلامی و غیر اسلامی در آن‌ها مطالعه می‌کردند. دولت عباسی حدود سی مدرسه عالی ایجاد کرد که مشهورترین آن‌ها «مدرسه نظامیه» بود. همچنین در آن مدارس، کتابخانه‌های عمومی تأسیس کرد که مهم‌ترین آن «بیت‌الحکمه» است. این کتابخانه مرکز تحقیق پژوهشگران و دانشمندان در زمینه‌های مختلف علوم بود، ولی متأسفانه وقتی هلاکوخان مغول مردم بغداد را قتل‌عام کرد این کتابخانه را نیز از بین برد و از این رو جهان اسلام، مهم‌ترین میراث فرهنگی خود را از دست داد (الفهرست، ابن‌ندیم).

۲) ترجمه کتاب‌ها: از حرکت‌های علمی قابل توجه در عصر امام‌رضا(علیه‌السلام) و عناصر مهم در ارتقای علمی مسلمانان، ترجمه کتاب‌ها از زبان‌های خارجی به زبان عربی بود. تحقیق در موضوعات مختلف کتاب‌های وارداتی از جمله طب، ریاضیات، فلسفه، علوم سیاسی، نجوم و... روحیه توجه به تحقیقات علمی را تقویت کرد. ترجمه این کتاب‌ها توانست منشأ اشاعه این علوم در سایر بلاد اسلامی، و موجب

پیدایش آرای علمی متعدد و نقد و بررسی آن‌ها گردد. از این رو وقوع این پدیده فی الجمله در ارتقای علمی جامعه اسلامی نقش بسزایی داشت، هر چند به سبب وجود مطالب غیر منطبق با فرهنگ اسلامی و اشمال آن‌ها بر الحادیات، منشأ چالش‌های عقیدتی نیز در برخی افکار مسلمانان گردید (الفهرست، ابن ندیم، ص ۳۳۹).

۳) ایجاد رصدخانه و ترسیم نقشه‌های جهانی: تأسیس رصدخانه‌ها و ترسیم نقشه‌های جهانی از حرکت‌های علمی قابل توجه در عصر امام رضا بود. مأمون دستور داد نقشه جغرافیایی تمام جهان کشیده شود. این کار انجام شد و آن نقشه را «نقشه مأمون» (صور المأمونیه) نامیدند و این اولین نقشه جهان بود که در زمان عباسیان کشیده شد. همچنین او دستور داد رصدخانه‌ای را بسازند که این امر در یکی از محلات بغداد عملی شد و رصدخانه‌ای به نام «شمسائیه» احداث گردید (عصر المأمون، ج ۱، ص ۳۷۵).

ب) علوم مهم

علوم بسیاری در زمان امام رضا علیه السلام گسترش پیدا کرد که این نشانه آزادی

فکری و دگرگونی علمی آن زمان بود. در این جا برخی از این علوم یاد شده است:

۱. تفسیر: از جمله علوم متداول و مورد توجه علما در آن زمان علم تفسیر بود و از آن جا که غیر از پیامبر صلی الله علیه و آله و اوصیای او هیچ کس نمی‌تواند مدعی باشد که تمام ظاهر و باطن قرآن را می‌فهمد، پس طبیعی خواهد بود که مشعل این علم در آن عصر، افاضات ائمه هدی و به‌خصوص امام رضا علیه السلام باشد. از همین رهگذر بود که علما و اندیشمندان دینی در پرتو افاضات حضرت رضا علیه السلام به علم تفسیر اقبال شایان نشان دادند و منشأ اثرات مهمی در این زمینه گردیدند (عصر المأمون، ج ۱).

۲. حدیث: از جمله علوم علمی که در آن عصر تدریس می‌شد، علم حدیث بود؛ یعنی آنچه از پیامبر صلی الله علیه و آله یا یکی از ائمه طاهرین علیهم السلام از قول یا فعل یا تقریر نقل شده بود. شیعه در تدوین احادیث پیشی گرفت و ائمه هدی اصحابشان را به این کار تشویق کردند. از جمله نوآوری‌های شیعه در آن زمان نسبت به علم حدیث آن بود که گروهی از اصحاب امام رضا علیه السلام احادیث معتبر را در کتاب بزرگی گردآوری کردند و این اولین کتاب جامع در باب حدیث برای مسلمانان و به‌خصوص شیعه

بود که در واقع اساس تدوین جوامع چهارگانه (کتب اربعه) برای سه عالم بزرگ اسلام، یعنی شیخ الطائفه طوسی، رئیس المحدثین شیخ صدوق و ثقة الاسلام کلینی گردید (مقدمه المقفّع و الهدایه، ص ۱۰).

۳. علم فقه: از بزرگ‌ترین علوم اسلامی علم فقه است که در زمان امام رضا علیه السلام و سایر زمان‌ها گسترش داشته است. ائمه اطهار در تأسیس مدارس فقهیه که شامل علمای برجسته‌ای مانند زراره و محمد بن مسلم و جابر بن یزید جعفی و ابوحنیفه و... است، نقش مهمی داشتند و این علما آنچه را که از ائمه می‌شنیدند، تدوین می‌کردند که تعداد این اصول به چهارصد رسید و سپس تهذیب شد و در کتب چهارگانه‌ای گرد آمد که مرجع فقهای امامیه در استنباط احکام شرعیه است. شیعه به عنوان اولین تدوین‌کننده فقه در بین مذاهب اسلامی شناخته شده است (محمد جواد فضل الله، ۱۳۷۲).

۴. علم اجتهاد و استنباط: از میان علومی که در عصر امام رضا علیه السلام تدریس می‌شد، علم اجتهاد و استنباط شرعیه بود که در کانون توجه قرار داشت و امام باقر علیه السلام آن را پایه‌گذاری کرد.

۵. علم نحو: علم نحو از جمله علمی

است که در دوره عباسیان متداول و به وسیله امام رضا علیه السلام برجسته شد. بعضی مسائل و بحث‌های آن باعث جدال می‌شد و برای آن در عصر خلفا شرط می‌بستند. گروهی از علمای بزرگ آن عصر در این علم متخصص بودند که در درجه اول، کسانی و فرآء و سیبویه قرار داشتند. اساس این علم را حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بنا نهاد (عصر المأمون، ج ۱).

۶. علم کلام: علم کلام در این عصر به شدت مورد توجه قرار گرفت و مباحث گوناگونی از سوی طوایف مختلف متکلمان در دفاع از باورهای خویش طرح و بحث می‌شد که خود این قضیه روحیه تحقیق و تتبع در مسائل کلامی را در طالبان حقیقت تقویت کرد. هر چند در این برهه از تاریخ اسلام، شاهد پیدایش یا اشاعه فرق مختلفی هستیم که به نوعی گرفتار انحراف‌های عقیدتی بودند و برای تثبیت ادعاهای خویش، از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کردند، متأسفانه تأثیر افکار انحرافی چنین گروه‌هایی بر برخی افراد قابل کتمان نیست. البته نقش اساسی حضرت امام رضا علیه السلام و اصحاب و شاگردان ایشان در ابطال برهانی و عقلانی مبانی این فرقه‌ها و افشای انحراف‌های

آن‌ها و هدایت مردم به سوی تنها صراط مستقیم خداوندی، حائز اهمیت است (عصرالمأمون، ج ۱).

۷. پزشکی: گسترش علم پزشکی در زمان امام رضا علیه السلام را می‌توان از ویژگی‌های آن دوره دانست. نقش اول در اهتمام به علم طب و گسترش آن، مربوط به امام رضا علیه السلام است که با ارائه بحث‌ها و مکتوبات مهمی در این زمینه از جمله رساله شریفه ذهبیه، حکام عباسی را بر آن داشت تا مردم را به تحقیق در این زمینه تشویق کنند و خود نیز در این خصوص اقدام‌هایی انجام دادند. (شریعتمداری، ۱۳۶۶).

۸. شیمی: علم شیمی از مهم‌ترین علوم بود که در آن زمان بسیار مورد توجه قرار گرفت و در این عصر آوازه منحصر به فرد خویش را پیدا کرد (شریف قرشی، ۱۳۸۳). جابر بن حیان از شاگردان امام صادق علیه السلام در ضمن تحقیقات خویش در علم شیمی، به جایی رسید که جهان را شگفت‌زده کرد؛ چنان‌که از طرف برخی دانشمندان غربی به عنوان مغز متفکر انسانیت معرفی شد و بدین وسیله مؤسس علم شیمی در جهان معرفی گردید (منصوری، ذبیح الله، ۱۳۶۱).

۹. معماری و مهندسی شهری: معماری و مهندسی شهری در آن زمان به اوج خود رسید؛ زیرا معماران در ساختن کاخ‌های خلفا چه در بغداد و چه در سامرا ابداعات شگفتی ایجاد کردند، به گونه‌ای که در هندسه و تکنولوژی، حد‌اعلای خود را پیدا کرد و معماری مسلمانان زبانزد خاص و عام جهانیان شد. این بناها بزرگ‌ترین بناهایی بود که در طول تاریخ وجود داشت، حتی در این زمان، هندسه و تکنولوژی به بالاترین درجه رسیدند (عصرالمأمون، ج ۱).

۱۰. علم نجوم: یکی دیگر از علوم پیشرفته این عصر، علم نجوم بود که مأمون عباسی نیز در این رشته تخصص داشت. آنچه گذشت، اجمالی از برخی علوم بود که در زمان حضرت رضا علیه السلام توسعه پیدا کرد و از جمله مظاهر ارتقای علمی مسلمانان و شکوفایی تمدن اسلامی بود (عصرالمأمون، ج ۱).

ج) مراکز علمی

مراکز علمی آن زمان بدین شرح بوده است:
۱. بغداد: بغداد پایتخت کشور اسلامی و مهد علم بود و در آن انواع مؤسسات

علمی، مدارس، بیت الحکمه‌ها و مکاتب عام و خاص وجود داشت (تاریخ ابن الاثیر، ج ۶).

۲. یثرب: یثرب از مهم‌ترین مراکز علمی اسلام بود؛ زیرا مدرسه اهل بیت علیهم‌السلام در آنجا تشکیل شده و سران فقها و علما را در خود جای داده بود که در تدوین احادیث ائمه علیهم‌السلام می‌کوشیدند (عصرالمأمون، ج ۱).

۳. کوفه: کوفه از اهمیت بسزایی برخوردار بود. مسجد جامع اعظم کوفه، مرکزی عام برای تحقیقات اسلامی به‌شمار می‌رفت و همچنین در آنجا سمینارهایی که صد طلبه در آن شرکت داشتند، برگزار می‌شد. در این سمینارها اساتید متخصص در علوم مختلف اسلامی نظیر فقه، تفسیر و حدیث به تحقیق می‌پرداختند. به علاوه مسجد کوفه مرکز علوم اهل بیت علیهم‌السلام بود. خانواده‌های مهم علمی از آن مسجد فارغ‌التحصیل شدند که از جمله آن‌ها می‌توان به آل حیان تغلبی، آل اعین، بنوعطیه و بیت بنی دراج اشاره کرد. از دیگر مراکز علمی کوفه، مدرسه‌ای بود که برای آموزش علم نحو ایجاد شد و از اساتید برجسته آن می‌توان به کسائی اشاره کرد که هارون الرشید او را برای تعلیم فرزندانش، امین و

مأمون به کار گرفت (الفهرست، ابن‌ندیم).
۴. بصره: بصره از مراکز مهم علم نحو بود و نخستین کسی که مدرسه‌ای در این علم ایجاد کرد، ابوالاسود دُثلی، شاگرد امام علی علیه‌السلام بود. از بزرگان این مدرسه سیبویه، مؤلف کتاب «سیبویه» در نحو است. این کتاب از مفیدترین و بهترین کتاب‌های عربی از لحاظ عمق و اصالت است که آن را «دی‌بور» می‌نامند. (حیاء الامام محمدالجواد، ص ۱۹۲).

بحث و نتیجه‌گیری

در تبیین نقش و جایگاه برجسته علمی امام‌رضا علیه‌السلام در شکوفایی علم و تمدن مسلمانان، بنابر آنچه گفته شد، می‌توان اذعان داشت در جامعه عصر امام علیه‌السلام آشفته‌گی فکری و عقیدتی وجود داشته که مسافرت‌های امام‌رضا علیه‌السلام به بصره و کوفه نیز در راستای همین مطلب، قابل توجیه است. اشاره به دو نمونه از این آشفته‌گی‌ها خالی از لطف نیست:

۱- وقتی امام صادق علیه‌السلام به شهادت رسید، پیروان او به گروه‌هایی با عقاید خاص بدین شرح تقسیم شدند: **ناووسیه** که معتقد بودند امام صادق علیه‌السلام نمرده است و نمی‌میرد و او همان مهدی موعود است.

اسماعیلیه که اسماعیل فرزند امام صادق را بعد از او امام دانستند. با این که اسماعیل قبل از امام صادق علیه السلام از دنیا رفته بود، ولی آن‌ها معتقد بودند که اسماعیل نمرده، بلکه امام برای حفظ جانش او را مخفی کرده است. فرقه مبارکه، قائل شدند به این که چون اسماعیل قبل از امام صادق علیه السلام از دنیا رفته، بعد از امام صادق باید امامت به پسر اسماعیل، محمد ابن اسماعیل برسد. سمطیه که امامت بعد از امام صادق را به فرزندش محمد و بعد از او برای فرزند محمد قائل بودند که رئیس آن‌ها یحیی بن ابی اسمیط است. فطحیه که معتقد بودند امام بعد از امام صادق، عبدالله افطح فرزند امام صادق علیه السلام است، به این دلیل که در بین فرزندان امام، از همه بزرگ‌تر بود و بعد از پدر هم ادعای امامت کرد و عده زیادی هم به او گرویدند. قطعیه، آن دسته از شیعیان واقعی که معتقد بودند امام بعد از امام صادق علیه السلام امام کاظم علیه السلام است. قابل توجه است که این فرقه‌ها در زمان امام رضا علیه السلام هم بودند و خطوط فکری خود را دنبال می‌کردند.

۲- آشفتگی دوم در جامعه مسلمانان پس از شهادت امام کاظم علیه السلام رخ داد. پس

از زندانی شدن امام که به شهادت ایشان نیز انجامید، پیروانش عقاید مختلفی پیدا کردند؛ از جمله واقفیه که معتقد بودند موسی بن جعفر زنده است و او همان مهدی موعود است. آن‌ها دشمن‌ترین افراد نسبت به امام رضا علیه السلام بودند. بشریه که معتقد بودند موسی بن جعفر نه مرده است و نه زندانی شده، بلکه غایب شده و او مهدی موعود است، با این تفاوت که می‌گفتند پس از غیبت، محمد بن بشیر را به عنوان جانشینی خود انتخاب کرده و او بعد از موسی بن جعفر، امام است و قطعیه وفاداران به امام رضا علیه السلام که معتقد بودند امام کاظم در زندان به شهادت رسیده و فرزندش امام رضا علیه السلام پس از او امام است. بدیهی بود که با این وضعیت، انحراف فکری به اوج خود برسد، جدای آن که انحرافات ناشی از ترجمه کتب بیگانه نیز اعتقادات اصیل دینی را هدف قرار داده بود. بهینه‌ترین اقدام در این وضعیت، ترویج فرهنگ دینی و عقاید اصیل اسلامی با ارائه طرق شناخت حق از باطل و در واقع یک کار معرفت‌شناختی در خصوص عقاید رایج در راستای تثبیت عقاید حقه بود که امام رضا علیه السلام با انجام مسافرت‌هایی

به مراکز پخش این اندیشه‌های انحرافی از قبیل بصره و کوفه و انجام مناظره با آن‌ها، تأثیری مهم در تصحیح نگرش مسلمانان به مسائل دینی و علمی داشت (مرتضوی، ۱۳۷۵، ص ۲۸ - ۳۰).

از دیگر عواملی که در هدایت فکری مسلمانان مؤثر بود و توسط امام‌رضا علیه السلام صورت پذیرفت، ایجاد فضای علمی مناسب برای طرح نظریات و اندیشه‌های مخالف بود. از آن‌جا که محیط جامعه اسلامی آکنده از نظریات و اندیشه‌های صحیح و سقیم بود و اهل اندیشه و جامعه به طور روزمره با این اندیشه‌ها درگیر بودند، طبیعتاً درصد تأثیرپذیری از اندیشه‌های انحرافی در صورتی که بطلان آن‌ها ثابت و محرز نشود، بالا می‌رود. برای رهایی از چنین ورطه‌ای لازم بود اندیشه‌های مخالف به خوبی مطرح شود و پس از آن مورد نقد و بررسی قرار گیرد. رسیدن به چنین هدفی مستلزم ایجاد فضای مناسب علمی برای طرح اندیشه‌هاست تا در سایه آزادی بیان مطالب طرح شود و سپس مورد نقد و بررسی منطقی و عقلانی قرار گیرد. دقیقاً چنین رویه‌ای از سوی امام‌رضا علیه السلام پیگیری می‌شد و ایشان با ایجاد فضای مناسب، در بیان آزادانه

اندیشه‌های مخالف و سپس نقد عقلانی آن‌ها، در تصحیح نگرش مسلمانان در خصوص تحقیق در گزاره‌های دینی و علمی و یا فرضیه‌های ارائه شده قابل بحث و نظر، تأثیر شگرفی ایجاد کرد (همان).

از دیگر موارد تأثیرگذاری امام‌رضا علیه السلام بر نوع تفکر جامعه متحول آن زمان، آموزش این نکته بود که دفاع از هر قضیه، باید بر اسلوب منطقی و متد عقلانی استوار باشد. دفاع عقلانی از یک اعتقاد، امری بود که امام‌رضا علیه السلام در مواضع متعدد آن را به عنوان روش منطقی و عقلانی مورد توجه قرار می‌داد. با این رویکرد، صاحب هر عقیده‌ای نخستین کاری که باید انجام می‌داد، منطبق کردن مدعای خود با اسلوب منطقی و عقلانی بود و همه طرف‌های گفت و گو در این امر مشترک بودند. هر کس که مدعایش منطبق با اصول عقلانی بود به مرحله بعد که اثبات ادعا باشد می‌رسید و گرنه در همان مرحله ابتدایی قابلیت بحث و بررسی را از دست می‌داد. با ترویج و تأکید این مهم توسط امام‌رضا علیه السلام، راه هرگونه مغالطه و سفسطه و مجادله‌های غیر منطقی بسته شد. نتیجه چنین رویکردی آن شد که جامعه علمی در راستای شناخت و پذیرش نظریات و اندیشه‌های مختلف، به

ارزیابی عقلانی و منطقی آن‌ها بپردازد و همین مسئله باعث شد که بطلان بسیاری از فرقه‌ها، مذاهب و اندیشه‌های رایج، روشن گردد و آن‌ها از موجودیت ساقط شوند و این خود از بزرگ‌ترین تأثیرهایی بود که امام علیه السلام بر نگرش فکری جامعه اسلامی گذاشت.

تأثیرات دیگر امام رضاء علیه السلام مربوط به حوزه عمل است که خود امام علیه السلام با شرکت در جلسات مناظره ای که یا خودشان (قبل از ولایت عهدی) و یا مأمون (بعد از ولایت عهدی) تشکیل می داد، عملاً روش منطقی و عقلانی بحث و مناظره و تحقیق و تتبع را به مردم القا می کرد. ایجاد زمینه ارائه آزادانه اندیشه‌های مخالف توسط صاحبان ادیان و مذاهب مختلف و پاسخگویی عقلانی و منطقی به آن‌ها با استفاده از مقبولاتشان و در نتیجه مغلوب شدن آن‌ها، امری بود که در نگرش اهل نظر نقش بسزایی ایفا کرد.

نقش دیگر امام رضاء علیه السلام در ایجاد شکوفایی و بالندگی علمی مسلمانان مربوط به آثار علمی ایشان است که می توان گفت جهش عمده‌ای در حوزه‌های مختلف علمی ایجاد کرد. گفتار آن حضرت درباره امور پزشکی، خداشناسی، مناظرات آن حضرت

از جمله با صباح بن نصر هندی و عمران صابی درباره خدا، پیدایش زمین، تغییر اشیاء و مسائل علمی دیگر، کلمات آن حضرت درباره مسائل فقهی و بیان فلسفه احکام، و نیز مباحث اخلاق همه و همه از توانمندی علمی حضرت حکایت می کند (شریعتمداری، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۷۸).

اصل وجودی آن کس که از چنین موقعیت علمی برخوردار باشد نیز در ایجاد نهضت علمی مؤثر است. مسافرت‌های علمی امام در تحقق نهضت علمی تأثیر بسزایی داشته است، که در جای خود قابل توجه است. فعالیت‌های امام در دوره ولایت عهدی نیز در راستای تبلیغ دین و مسائل علمی از نقش‌های مهم در تحقق و کمال نهضت علمی است.

پیشنهادهای عملی برای کاربرت یافته‌ها

۱- اقدامات علمی امام رضاء علیه السلام پیام‌ها و توصیه‌های شاخصی برای اندیشمندان، برجستگان، متولیان و تولیدکنندگان علمی و فرهنگی جامعه ما دارد، به طوری که از ویژگی‌های برجسته شیعیان، تأسی به حضرات معصومین علیهم السلام در سیره، سنت، روش و منش آن‌ها در جنبه‌های مختلف

دنیوی و اخروی است.

۲- از همین رهگذر برای جامعه علمی ما، توجه به سیره علمی آن حضرات و به ویژه حضرت رضا علیه السلام امری بایسته و ضروری است و بدیهی است که نتیجه چنین التزامی به سیره علمی آن امام، پیروی از مسیری است که آن حضرت انتخاب فرموده است؛ یعنی پایبندی به راهکارهای علمی و عملی ایشان برای تولید علم، به گونه‌ای که در امتداد هدف تولید علم و اندیشه، آن‌ها را الگوی حرکت خود قرار دهند و روشن است که در سایه چنین اقتدایی و البته همت در رسیدن به مقصود، جامعه ما شاهد شکوفایی تمدن و اعتلای علم و اندیشه خواهد بود.

۳- پیام دیگر می‌تواند لزوم برخورداری از احساس نیاز و نیز همت بلند در باب تولید نرم افزار باشد. شکوفایی علمی و بازگرداندن تمدن عظیم اسلامی با پرداختن صرف به یک سری مباحث نظری به دست نمی‌آید، فعالیت‌ها و کارشناسی‌های پیوسته می‌خواهد و همت والا می‌طلبد. البته قبل از آن، احساس نیاز به ضرورت چنین جنبشی لازم است. پس چنین امری همت بلند متولیان علمی و فرهنگی کشور را می‌طلبد، چنان‌که خود

امام رضا علیه السلام نیز در همین راستا، مسافرت‌های مختلف انجام می‌داد.

۴- استفاده از فرصت‌ها و موقعیت‌های مناسب در تولید و ترویج علم از دیگر پیام‌هاست. چنان‌که آن حضرت از فرصت‌های به دست آمده نهایت استفاده را در تبلیغ دین و علم می‌کرد. از فرصت ولایت‌عهدی در راستای نشر معارف دین و تبیین شیوه‌های تشخیص حق از باطل، هم در مباحث مربوط به الهیات و هم علوم طبیعی و غیره، به خوبی بهره گرفت.

۵- برخورد منطقی و عقلانی در مناظره با صاحبان آراء و اندیشه‌های مختلف و مخالف که توضیح آن گذشت و نیز فضا سازی برای ارائه و طرح اندیشه‌ها و دیدگاه‌های مختلف و غیره، همه از پیام‌ها و توصیه‌های علمی و عملی حضرت رضا علیه السلام در حوزه علم و در راستای تولید علم است.

۶- در عمل پیرو امام رضا علیه السلام باشیم، ایشان را آن طور که باید بشناسیم. پژوهش و تحقیق متناسب در این زمینه داشته باشیم. در اعمال و سیره زندگی امام معصوم علیه السلام تدبیر داشته و در کتاب‌های درسی به وجوه شخصیتی ایشان و سایر امامان معصوم بپردازیم، تا دانش آموزان و دانشجویان ما

هم از دایره شناخت این امام بزرگوار دور نباشند.

۷- ترویج سیره حضرت رضا علیه السلام به عنوان فرهنگ، از کوچک‌ترین وظایف ماست. توجه به سیره امام رضا علیه السلام، زندگی ما را متحول خواهد کرد. ما باید فرهنگ امام رضا علیه السلام را توسط رسانه‌ها به مردم بشناسانیم، تا جامعه در تمام ابعاد به خصوص بُعد علمی، به سوی سعادت و سلامت پیش برود.

منابع

۱. امین عاملی، سید محسن، سیر الائمة علیهم السلام.
۲. ابن ندیم، الفهرست.
۳. حسینی شیرازی، سید محمد، حیاة الامام محمد الجواد علیه السلام.
۴. رفاعی، احمد فرید، عصر المؤمن، قاهره، دارالکتب المصریه، ۱۳۴۶.
۵. سحاب، ابوالقاسم، زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام، انتشارات چاپ کتاب تهران - تبریز، ۱۳۶۰.
۶. شیخ طوسی، رجال.
۷. شریعتمداری، علی، روح علمی و سعه صدر در شخصیت حضرت رضا علیه السلام، مجموعه آثار دومین کنگره حضرت رضا علیه السلام، ۱۳۶۶ ش.
۸. شریعتمداری، علی، ویژگی‌های حضرت

- رضا علیه السلام، مجموعه آثار دومین کنگره حضرت رضا علیه السلام، ۱۳۶۶ ش.
۹. شریف قرشی، باقر، پژوهش دقیقی در زندگانی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۳ ش.
 ۱۰. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم والملوک، قاهره، مطبعة الاستقامة.
 ۱۱. علی بن ابی‌الکرم مشهور به ابن اثیر جزری، تاریخ ابن‌اثیر.
 ۱۲. فضل‌الله، محمد جواد، تحلیلی از زندگانی امام رضا علیه السلام، ترجمه سید محمد صادق عارف، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ ش.
 ۱۳. قمی، حاج شیخ عباس، منتهی‌الامال.
 ۱۴. مقدمه المقفّع والهدایه.
 ۱۵. منصور، ذبیح‌الله، مغز متفکر جهان شیعه، مرکز مطالعات اسلامی استراسبورگ، انتشارات جاویدان، ۱۳۶۱ ش.
 ۱۶. مرتضوی، سید محمد، نهضت کلامی در عصر امام رضا علیه السلام، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ ش.
 ۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، «مناظرات تاریخی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام با پیروان مذاهب و مکاتب مختلف»، مجموعه آثار دومین کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام، ۱۳۶۶ ش.